

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

۳۰ جون ۲۰۱۶

تنظیم، تصحیح و شرح لغات: پورتال

دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۷۴

قصائد

- ۷۰ -

در مدح شهزاده محمود

زهی! ز پرتو تاج تو، آسمان روشن
یگانه گوهر دریای دولت کُبرا
تو آن سپهر جلالی، که تاب حشمت تو
به یاد بزم تو، ناهید را به کف، بربط
به سیر عرصه قدر تو، پای ماه، اعرج
سخی‌تر از تو نبیند کسی به ملک امروز
ز دست رشک تو، پرچین شده رخ دریا
فشانده جود تو، بر ابرِ دُرفشان، دامن
خجسته مظهر الطاف خالق ذوالمن
بر آفتاب جهان کرده، چشمه سوزن
به کین خصم تو، بهرام را به بر، جوشن
به وصف پایه جاه تو، نطق تیر، آلکن
ز روم تا به ختا، و ز هند تا به یمن
ز تاب جود تو، خونین شده دل معدن

^۱ "اعرج": (بر وزن "ارزن") کلمه عربی و در معنای "لنگ"

^۲ "الکن": (بر وزن "ارزن") کلمه عربی و در معنای "گنگ" یا "گنگه"

^۳ "ختا": (بر وزن "خطا") مراد از "چین" است. در دیوان حاضر "خطا" آمده بود، که درینجا خطاست!!! (مصحح پورتال)

صبا ز خُلُق تو بوئی اگر به باغ، بَرَد
 وگر ز قَلزم قهر تو بردم، موجی
 سپاه عزم ترا عَزَّ و جاه، قلب و جناح
 ز نوک رُمح تو، اقصای هند، پر افغان
 رکاب عزم ترا بنده، رستم و سهراب
 به پیشگاه تو کمتر امیر، چون گرشاسپ
 (خراج مصر نسنجد گفت، به یک سنج
 به مصر و روم، سرانجام از مهابت تو
 بر آستانه جاهت، قضا به روز شکار
 ز آفتاب فلک، روشنی طلب نکند
 سپه‌رپایه شها!، از خزانه کرمت
 مجاوران غلامانِ درگه اعلی
 همیشه تا، که شد از پنج حس، چار ارکان
 به پیش پنجه حکم تو، چار حد جهان

ز پنج^۴ نوبه عدل تو هفت کشور، شاد

ز چار گوشه تخت تو نه فلک، روشن

^۴ بیت بالا در نسخه کاتب موجود نیست.

^۵ "مَواجِب": کلمه عربی و جمع "مَوجِب" (بر وزن "مَحفل")، که در معنای "مُعاش" است؛ پس "مَواجِب"؛ یعنی "مُعاشات"

^۶ در دیوان حاضر "الی" آمده، که به "الآ" تصحیح گردید. (مصحح پورتال)

^۷ این بیت در نسخه کاتب اصل چنین درج است:

همیشه تا کشد از پنج حُسن چار ارکان
 لَوای حُکم شه رفیع در دیار بدن

^۸ ب. مدام باد مسخر چو از کفت جان تن

^۹ ب. بیخ